

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را باز نشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب دیده می‌دهد شود.



ساده‌نگیریم

حضرت امام خمینی (ره):

کبر و خودبزرگ‌بینی و عدم فرهنگ‌سازی و تربیت درست در خانواده و مدرسه و جامعه، کار را به جایی رسانده که حتی بعضی از متدینین هم به خود اجازه می‌دهند به حریم رفیع مرجعیت که جایگاه نایب‌نمایی امام معصوم (ع) است به‌سادگی آب خوردن، اعتراض و بلکه‌اهانت کنند و جالب‌تر آن که به خود اجازه می‌دهند حتی بدون یک روز درس دین خواندن، درباره فقه و احکام شرعیه که تخصصی‌ترین بخش دین ماست و نیاز به دهها سال مطالعه و تحقیق و تنبّع و اجازات متعدد از اعظم مذهب دارد نظر دهند! آقایان! متوجه باشید! اگر چنانچه سُطُر کلمه‌ای به یک نفر از مراجع اسلام، سُطر کلمه‌ای اهانت بکند کسی به یک نفر از مراجع اسلام، بین او و خدای تبارک و تعالی ولایت منقطع می‌شود. کوچک فرض می‌کنید؟

منبع: کانال تلگرامی سبیل‌رشد، به استناد صحیفه امام، ج۱، صص ۳۰۷-۳۰۶



بورس و بورسیه سعدی شیرازی

حسین جاوید در کانال تلگرامی خود نوشت: «بورس» نوعی «مقری» است و در واقع کمک‌هزینهای است که بعضی دانشگاه‌ها برای دانشجویان عمدتاً مستعد و آینده‌دار در نظر می‌گیرند. «بورسیه» کسی است که از «بورس» استفاده می‌کند. پس دانشگاه «بورسیه» نمی‌دهد، بلکه «بورس» می‌دهد و دانشجو هم «بورس» نمی‌شود، بلکه «بورسیه» می‌شود. سابقه بورس دادن به علم‌آموزان بسیار دراز است و از جمله می‌دانیم که سعدی هم در نظامیه بغداد بورسیه‌پوده است: «مرا در نظامیه ادرار بود اشپ و روز تلقین و تکرار بود.» (باب هفتم بوستان) در بیت بالا «ادرار» تقریباً به معنی «بورس» به کار رفته است.



ریشه‌زنی بافن دراما!؟

کانال تلگرامی «ادبیات چیست؟»نوشت:رسیدما به نامهای از میرزافتحعلی آخوندزاده به میرزا آقا تبریزی، ایرانی‌ها به واسطه حضور در اروپا و انقلاب مشروطیت کم‌کم داشتند بادیشه‌های تجددخواهانه آشنا می‌شدند و نیاز به فرم‌های جدید ادبیات داشتند. «دور گلستان و زینت‌المجالس گذشته است، امروز این قبیل تصنیفات به کار نمی‌آید، امروز تضمینی که متضمن فوائد ملت و مرغوب طایع خوانندگان است، فن دراما و رمان است.» متأسفانه این نگاه اشتباه الان هم وجود دارد، همین شده که در این دوره و زمانه، دیگر کسی گلستان و باقی متون کهن را نمی‌خواند، در حالی که ریشه‌های پیشرفت ما برمی‌گردد به همین متون.



از دولت دست‌نشانده تااپوزیسیون دست‌نشانده

جعفر حسن‌خانی در توثیتی نوشت: قبل از انقلاب اسلامی در ایران پدیده‌ای به نام دولت دست‌نشانده در صحنه سیاست ایران حاضر بود و بعد از انقلاب همان دولت دست‌نشانده تبدیل به اپوزیسیون دست‌نشانده شده است. «بران» عزیز در فکر این جریان وابسته جایی ندارد.

دوشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۳ | ۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۶ | روزنامه جوان | شماره ۷۱۶۰

تأکید کاربران شبکه‌های اجتماعی بر بیانات رهبر معظم انقلاب

منطق جمهوری اسلامی ایران ضامن امنیت و آسایش میهن

بیانات مهم رهبر معظم انقلاب طی دیدار با دانش‌آموزان در آستانه یوم‌الله ۱۳ آبان ماه واکنش‌های بسیاری در شبکه‌های اجتماعی به همراه داشت. رهبر انقلاب در این دیدار فرمودند: «بحث، بحث صرفاً انتقام نیست، بحث یک حرکت منطقی است؛ مقابله منطقی با دین، اخلاق، شرع و منطق بر قوانین بین‌المللی است و ملت ایران و مسئولان کشور در این جهت هیچ‌گونه تعلل و کوتاهی نخواهند کرد. این را مطمئن باشید.» منطق جمهوری اسلامی ایران در دفاع از میهن را منطقی محکم خواندند که ضامن امنیت و پیشرفت کشور و مقابله با گر‌نگشان عالم است. در ادامه، بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

علی بابایی:

رهبر حکیم انقلاب خود به خوبی ضرورت پاسخ به صهیونیست‌های متجاوز را تبیین فرمودند. جواب دندان‌شکن ایران نه یک انتقام احساسی بلکه واکنشی منطقی برای حفظ امنیت کشور است.

الهام میرزایی:

این صحبت آقا رو گوش کنید.میگن حرکت ما در برابر استکبار، به حرکت بلندمدت و برنامه‌ریزی شده‌ست که از مدت‌ها پیش شروع شده و با قدرت ادامه داره. این یعنی ترورها همه ناشی از شکست اونا در برابر سیاست‌های ماست نه انفعال ما در برابر دشمن! پس خط تحریب مسئولان اشتباهه. #وعده صادق۳

مهران کریمی:

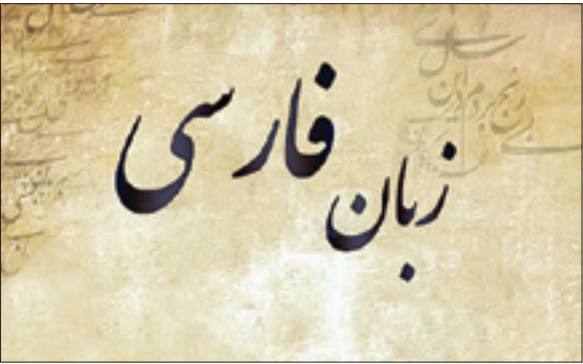
برخی انقلابی‌ها سخن رهبری در رابطه با راهبرد «نه تعال، نه شتاب» را در ک نکر دند. رهبر انقلاب تصریح کردند پاسخ دندان‌شکن قطعی است و «مسئولان مشغول انجام آن هستند».

دوقطبی‌سازان و تخریبگران انصافاًفاصله تحلیلی و محاسباتی با ولی جامعه را تا کی و تا کجا می‌خواهند ادامه دهند؟

سیدمحمدحسین میرلوحی:

بحث صرفاً انتقام نیست، رعایت شرع و اخلاق و قوانین بین‌المللی انجام می‌گیرد، مسئولان به وظایف‌شان در مقابل دیرین است.

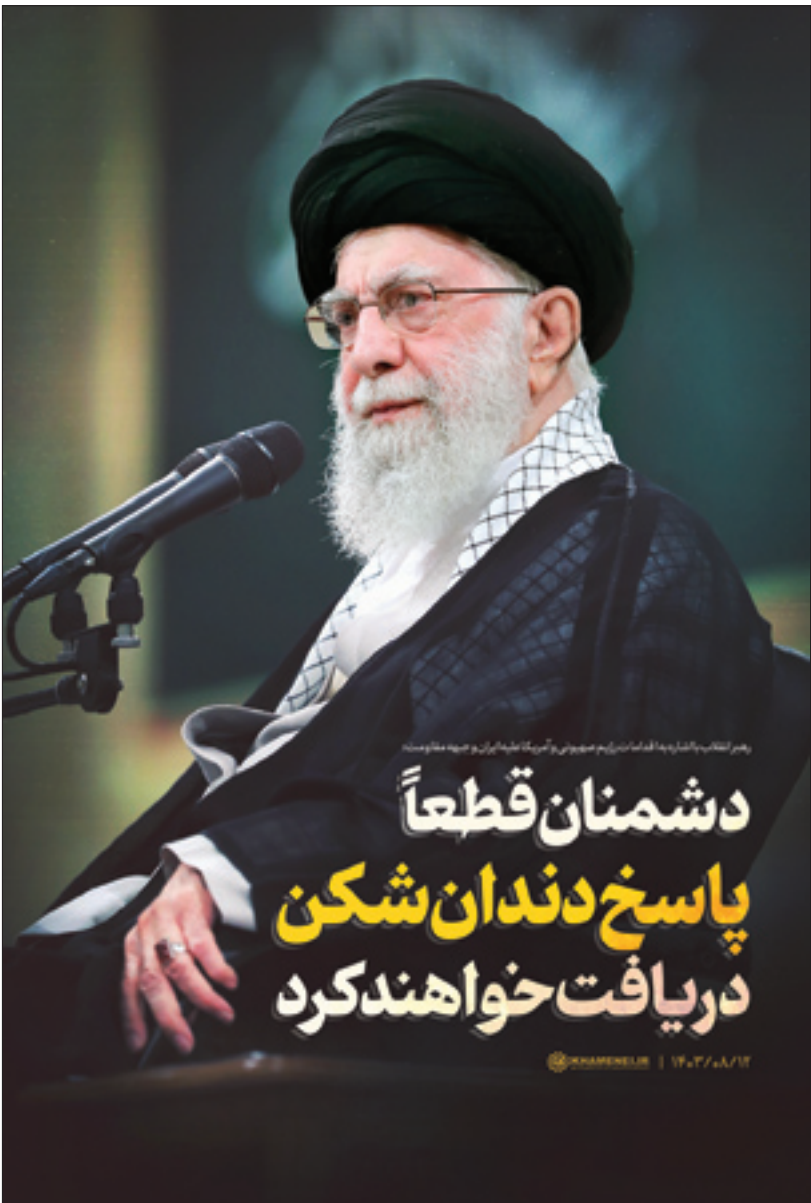
محمدرضا اخضریان کاشی در کانال تلگرامی خود مطلبی درباره هالووین نوشت که خلاصه‌ای از آن می‌آید: شب سی‌ویکم اکتبر در برخی کشورها با عنوان هالووین شناخته می‌شود. هالووین که مخفف هالووژ ایونینگ (Hallows Evening) به معنای «عصر قدیسان» است در فرهنگ مسیحی، روزی برای بزرگداشت قدیسان و شهدای مسیحیت است اما در فرهنگ عامه به‌عنوان ترسناک‌ترین شب سال تلقی شده و با آداب و رسوم بی‌برگزار می‌شود. روشن کردن آتش و شمع بر مزار مردگان و یادکرد مرگ مهم‌ترین رکن این سنت



معجزه لهجه‌های شیرین ایرانی حتی در تصادف

مجرداد کریم‌زاده در توثیتی نوشت: از پشت خیلی محکم زد به ماشینم، ناراحت پیاده شدم و رفتم سمتش، اونم پیاده شد. قبل از اینکه ماشین رو ببینم، با یک لهجه کردی قشنگ گفت: «دایی نمی‌دونم چرا ای ABS نگرفت، شرمنده به علی!» با همین چند کلمه چنان دل منو برد که گفتم فدا سرت داشش. برو به سلامت. چیه این لهجه‌های شیرین ایرانی؟

گایبران



استکبار درست عمل می‌کنند. همه این بیانات محکی است برای مدعیان ولایت‌مداری، المتقدم لهم مارق.

امید نریمانی:

دیدار حضرت آقا با دانشجویها و دانش‌آموزا همیشه پرشور بود.

چقدر این صحنه قشنگ بود، شعر قشنگ بود، خوندن قشنگ، وقت رجزخوانی حسین طاهری کف می‌زین و بعدش پر شور تر

نوای «حیدر، حیدر» سر میدن. دلم می‌خواست اونجا بودم...

علیرضا تقوی‌نیا:

مهم! امام خامنه‌ای در جواب دانشجویی که خواستار تغییر دکترین امنی و ارائه فتوای ثانویه راجع به سلاح هسته‌ای

شد، فرمودند: ایران به هر آنچه برای مقابله با دشمن لازم

باشد مجهز می‌شود.

کاربری با نام «ام کمیل»:

جمهوری اسلامی در طراحی اقداماتش با دقت و عقلانیت

پیش میره، هدف اصلی اینه که به اسقاطیل نشون بده که هر اقدام غیرقانونی، پیامدهای جدی داره. این رویکرد نه تنها

انتقام بلکه یک استراتژی کلانه.

عبدالمجید خرقانی:

فرمود: «بحث صرفاً انتقام نیست؛ بحث یک حر کت منطقی



و بازی می‌پرداختند. حمل فونوسی از جنس کدو که نماد ارواحی است که نه راهی به بهشت دارند و نه به جهنم ازجمله مهمانان خود (ارواح) با غذا یا خوراکی‌هایی چون آجیل و سیب استقبال کرده و در آیین‌های سنتی برایشان نماز و دعا بر پا می‌کردند و پس از آن به شادی و جشن



جلوهای از ایران بزرگ

محمدحسین پیریانی در توثیتی نوشت: اگر می‌خواهید ملت ایران را بشناسید، به مادر پیری که چشمانش به خوبی جوانی‌هایش کار نمی‌کند اما نگران ریخ کردن دست کود کان بی‌پناه فلسطینی و لبنانی است و با مرارت برایشان دستکش می‌بافد بنگرید. این جلوه‌ای است از ارزش‌های فرهنگی ملت بزرگ ایران. (تصویر برگرفته از گزارش روزنامه همشهری)



هیپنوتیزم چقدر منشأ علمی دارد؟

دکتر تقی کیمیایی اسدی در کانال تلگرامی خودنوشت:هیپنوتیزم چقدر منشأ علمی دارد و اساساً خط میزان بین شبیه‌علم بودنش بر چه مبنایی است؟ معیارهای تلقین کردن به سوزه‌ها را چه کسی تعیین می‌کند؟ پاسخ: مغز بسک دستگاه محرک واکنشی است. در هیپنوتیزم در گام

اول سعی می‌شود با تکنیک‌های خاصی از ورود محرکات بیرونی و درونی و تخیلات و تفکرات شخص هیپنوز شونده به حداکثر کاسته یا جلوگیری ازجلبوری سپس هیپنوز کننده خودش را تبدیل به تنها محرکی می‌کند که توجه هیپنوز شونده بر او متمرکز و تنها محرک مؤثر در صحنه آگاهی می‌شود. در موارد درمانی سعی می‌شود از دریای پنهان حافظه بیمار موضوعی به آگاهی و گزارش کشیده شود که هیپنوز کننده نمی‌داند چیست و در دسترس آگاهی هیپنوز شونده‌نیز نیست که معمولاً شکست می‌خورند. گاهی موضوعی تلقین می‌شود که می‌تواند باعث واکنش موقتی تاوقتی شود که هیپنوز برقرار است، اما اثر طولانی ندارد. اما اینکه بتواند روش مؤثری برای درمان موضوعی باشد بی‌اساس بوده و حتی می‌تواند به علت القای خاطرات کاذب از سوی هیپنوز کننده گمراه‌کننده باشد. فرمودی‌ها هنوز هم در گمراهی‌های او غرق‌اند.

کیمیای سپاسگزاری

صدیق قطبی در توثیتی نوشت:سعدی می‌گفت عمری را که در فراق سپری می‌شود، نباید به حساب عمر گذاشت. بعد از گذشت فراق، عمر دیگری لازم است. عمر دیگری برای زیستن: «عمری دگر بپاید بعد از فراق ما را | کاین عمر طی نمودیم اندر امیدواری» حافظ هم در موافقت با این معنا گفته

است: «بی‌عمر زندهم من و این بس عجب مدار | فروز را از که نهد در شمار عمر.» از سویی اما به ما گفته‌اند در فراق هم ذوقی دیگر نهفته است و چهره دیگری از عشق. امکانی که نصب چشم‌های باطن‌نگر و ژرف‌بین می‌شود. حافظ می‌گفت عمر خود را در شکایت از هجران و حرمان سپری نکن. در حرمان و هجران، سیماء و کیفیت دیگری از عشق و وصل نهفته است! اگر دریایی، اگر بتوانی دریایی: «حافظ شکایت از غم هجران چه می‌کنی | در هجر و وصل باشد و در ظلمت است نور» و مولانا می‌گفت: «در بلاهم می‌چشم لذات او | مات اویم، مات اویم، مات او» چگونه به این حال فر خنده می‌توان رسید؟ به آنجا که در ظلمت، گل‌های نور بچشمین و در فراق، لذت عشق بچشمین؟ شاید راز آن را در «شکرگزاری» باید جست: «از تو سپاسگزارم ز یسین، باز دست دادن تو همه چیز را از دست داده‌ام و برای این حرمان از تو سپاسگزارم.» (فراز از بودن، کریمستیان بوین، ترجمه مهوش قویمی و سمیرا صادقیان، صفحه ۱۳) سپاسگزاری، حتی از آنچه حرمان و هجران است، چشم ما را به کیفیتی ناب خواهد گشود. به سطح دیگری از واقعیت که گرچه دردناک، اما روشن است، شفاست و کیمیا: سپاسگزارم، از تو سپاسگزارم. چراکه ایمان دارم اراده تو نیکی است. سپاسگزارم، حتی وقتی مرا تنها وانهادی، چراکه ایمان دارم تو، هنوز و همیشه، سرچشمه نور، معنا و عشقی. سپاسگزاری پیوند عقیقی با ایمان دارد. ایمان من به تو، به اراده نیک تو که بنیاد عالم است سپاسگزاری‌ام را معنادار می‌کند. همان که مایستر اکهارت از آن پرده برداشت: If the only prayer you ever say in your entire life is thank you, it will be enough «کافی است اگر تنها دعایی که در تمام عمر بر زبان می‌آوری این باشد: از تو سپاسگزارم»

مهربانی، نشانه بلوغ است

کانال تلگرامی «معنا و فلسفه زندگی» یادداشتی از طحیه داودآبادی فراهانی را به اشتراک گذاشت. او نوشته است: انسان‌هایی که در مسیر زندگی به بلوغ عاطفی و فکری و شخصیتی می‌رسند، خودبه‌خود، در سکوتی خاص قرار می‌گیرند که لبریز محبت و مهربانی است. برای این افراد، قضاوت شدن از سوی دیگران اهمیتی ندارد، زیرا که آنان نگران تصویر ذهنی دیگران در مورد خودشان نیستند. این افراد از میدان مسابقه خارج شده‌اند و خود را با دیگران مقایسه نمی‌کنند، حتی اگر دیگران آنها را بازنده بدانند برایشان اهمیتی ندارد. افراد بالغ به نقطه‌ای رسیده‌اند که فهمیده‌اند زندگی مثل یک بازی، برای آمدن و نماندن است. آنها فهمیده‌اند که بهترین مواجهه با زندگی، مهربانی است. افراد بالغ در مواجهه با دیگران به خوبی و زیبایی افراد اشاره می‌کنند و دیگران در مقابل افراد بالغ، نسبت به خودشان احساس خوبی پیدا می‌کنند. افراد بالغ، اگر انتقادی هم می‌کنند، یک انتقاد عقلانی است و انتقادشان بر اساس تشش و تخریب نیست. افراد بالغ، در صورت نیاز، نظرشان را اعلام می‌کنند و سعی بر به کرسی نشاندن نظرشان ندارد. می‌گویند و عبور می‌کنند و اینکه طرف مقابل بپذیرد یا نپذیرد، برایشان اهمیتی ندارد. افراد بالغ از جسدین به سیستم‌های فکری و فلسفی فارغ‌اند. آنها مطالعه و با دقت به نظر دیگران توجه می‌کنند اما بنده یک شخص یا یک مکتب نمی‌شوند. افراد بالغ، از کسی بت نمی‌سازند. با عدم جدیتی خاص زندگی می‌کنند که از ژرفای وجودشان اشکار می‌شود که همان وارستگی است. افراد بالغ هم در زندگی هستند هم جدا از زندگی و به افکار و اشیا و اشخاص نمی‌چسبند. افراد بالغ به رنج‌هایشان لبخند می‌زنند و می‌دانند که زندگی در گذر است. مهربانی، نشانه بلوغ است.

